مصطفی اقلیما در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

امنیت فکری و اجتماعی با رفاه و رونق اقتصادی شکل می‌گیرد

- نباید روی فیلترینگ پافشاری کرد
- فیلترینگ در روابط اجتماعی اختلال به وجود آورده است
- ادامه فیلترینگ وضعیت اقتصادی را به هم می‌ریزد
- ارتباط اجتماعی مردم به فضای مجازی گره خورده است
- چالش‌های فضای مجازی معلول است نه علت

آرمان ملی- احسان انصاری: با توجه به شواهد و قرائن موجود به نظر می‌رسد فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی ادامه خواهد داشت. اتفاقی که پیامدهای اقتصادی زیادی به همراه خواهد داشت. در این زمینه «آرمان ملی» با دکتر مصطفی اقلیما، جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده است. اقلیما معتقد است: «مردم در فضای مجازی مشکلات خود را با یکدیگر در میان می‌گذاشتند و از این طریق به آرامش می‌رسیدند. این در حالی است که با فیلترینگ و سخت شدن دسترسی به فضای مجازی این وضعیت از بین رفته است. من بعید می‌دانم کسانی که تصمیم گرفته‌اند فضای مجازی را فیلتر کنند از پیامدهای آن اطلاع نداشته باشند و بلکه به نظر می‌رسد از پیامدهای آن اطلاع دارند. با این وجود سوال این است در شرایطی که از پیامدهای این اتفاق اطلاع دارند چگونه همچنان روی این تصمیم پافشاری می‌کنند. امروز عده‌ای با این سوال مواجه هستند که چه کسانی درباره فیلترینگ تصمیم‌گیری می‌کنند؟» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

با توجه به شواهد و قرائن موجود به نظر می‌رسد فیلتر شبکه‌های اجتماعی ادامه پیدا خواهد کرد. این اتفاق چه پیامدهایی خواهد داشت؟

هنگامی که شبکه‌های اجتماعی به جزئی از زندگی مردم تبدیل می‌شود نمی‌توانیم به‌راحتی آن را تغییر بدهیم و روش دیگری در پیش بگیریم. مردم به شبکه‌های اجتماعی عادت پیدا کرده بودند و به همین دلیل نیز در شرایط کنونی که با فیلترینگ مواجه شده‌اند برای خرید فیلترشکن هزینه می‌کنند که در برخی مواقع این هزینه‌ها زیاد نیز می‌شود. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که بخش‌هایی از جامعه در فضای مجازی کسب و کار اقتصادی داشتند و مسائل اقتصادی خود را از این طریق انجام می‌دادند. به همین دلیل فیلترینگ فضای مجازی روی کسب و کار و زندگی آنها تأثیر گذاشته است. وزارت ارتباطات و مخابرات نیز در چنین فضایی با چالش مواجه شده‌اند و خسارت دیده‌اند. به همین دلیل ادامه فیلترینگ باعث خواهد شد وضعیت اقتصادی مردم بهم بریزد. ایجاد شغل برای دولت‌ها کار راحتی نیست و دولت‌ها به سختی می‌توانند برای مردم شغل ایجاد کنند. این در حالی است که فضای مجازی باعث به وجود آمدن شغل‌های زیادی برای مردم شده بود که با فیلتر کردن آن این فرصت دچار آسیب شده است. این نکته را نیز باید در نظر گرفت که تورم و گرانی در جامعه ما روز به روز بیشتر می‌شود. در چنین شرایطی باید این سوال را از مسئولان پرسید که با ادامه فیلترینگ چه اتفاقاتی رخ خواهد داد. نکته دیگر اینکه در گذشته روابط اجتماعی و خانوادگی به صورت حضوری بود، اما با ظهور شبکه‌های اجتماعی این روابط به شبکه‌های اجتماعی منتقل شده است. به همین دلیل فیلترینگ در روابط اجتماعی مردم اختلال به وجود آورده است.

فیلترینگ به چه صورت روی روابط اجتماعی تأثیر گذاشته است؟ اختلال روابط اجتماعی به‌واسطه فیلترینگ چه پیامدهایی دارد؟

مردم در فضای مجازی مشکلات خود را با یکدیگر در میان می‌گذاشتند و از این طریق به آرامش می‌رسیدند. این در حالی است که با فیلترینگ و سخت شدن دسترسی به فضای مجازی این وضعیت از بین رفته است. من بعید می‌دانم کسانی که تصمیم گرفته‌اند فضای مجازی را فیلتر کنند از پیامدهای آن اطلاع نداشته باشند و بلکه به نظر می‌رسد از پیامدهای آن اطلاع دارند. با این وجود سوال این است که در شرایطی که از پیامدهای این اتفاق اطلاع دارند چگونه همچنان روی این تصمیم پافشاری می‌کنند. امروز عده‌ای با این سوال مواجه‌اند که چه کسانی درباره فیلترینگ تصمیم‌گیری می‌کنند؟ اعتراضاتی که در ماه‌های اخیر در کشور وجود داشت معلولی از علت‌ها بوده است. ما باید این علت را از بین ببریم. فضای مجازی معلول است نه علت. این در حالی است که برخی علت را رها کرده و معلول را چسبیده‌اند و می‌خواهند از این طریق مشکلات را حل کنند. فضای مجازی یکی از هزاران ابزار آگاهی رسانی در جامعه است. این در حالی است که اگر فضای مجازی وجود نداشته باشد نیز مشکلی برای مردم ایجاد نمی‌شود. اتفاقی که در فضای مجازی رخ می‌دهد این است که اطلاع‌رسانی نسبت به وقایع مختلف صورت می‌گیرد. مهم‌ترین اتفاقی که در فضای مجازی رخ می‌دهد این است که مشخص می‌شود در کشور چه خبر است و چه اتفاقاتی در کشور در حال رخ دادن است. مردم مسائلی که در فضای مجازی رد و بدل می‌شود را مرتبط با جامعه می‌دانند و معتقدند شبکه‌های اجتماعی زمینه اطلاع‌رسانی در مورد مسائل مختلف جامعه را ایجاد کرده است. باید مردم را دارای درک و فهم تصور کرد. فضای مجازی یک فرصت است که اگر شایعه یا گمانه‌زنی درباره فرد یا افرادی زده می‌شود آن فرد نیز در همین فضای مجازی به این موضوع واکنش نشان بدهد. در همه کشورهای جهان فضای مجازی وجود دارد. در همه کشورها نیز اگر کسی مرتکب خلافی شود باید نسبت به اقدامی که انجام داده پاسخگو باشد.

> فضای مجازی یک فرصت است که اگر شایعه یا گمانه‌زنی درباره فرد یا افرادی زده می‌شود آن فرد نیز در همین فضای مجازی به این موضوع واکنش نشان بدهد. در همه کشورهای جهان فضای مجازی وجود دارد

با توجه به شعارهایی که آقای رئیسی در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری درباره فضای مجازی می‌داد چرا برخی همچنان روی رویکرد فیلترینگ پافشاری می‌کنند. دولت در این زمینه چه نقشی دارد؟

واقعیت این است که برخی در همه جوامع بشری با اطلاع‌رسانی مشکل دارند و این موضوع مختص به جامعه ایران نیست. دلیل اصلی این موضوع نیز این است که افکار عمومی از اشتباهات و تخلفاتی که برخی انجام می‌دهند اطلاع پیدا نکنند. فرض بگیرید در جامعه ایران فضای مجازی وجود نداشته باشد. در چنین شرایطی شاید مردم از اتفاقات کشور به سرعت مطلع نشوند اما قطعا پس از مدتی از کانال‌های دیگر از همه اتفاقات صورت گرفته مطلع خواهند شد. در جهان امروز اطلاع‌رسانی یکی از ضروریات زندگی است و همه مردم جهان این واقعیت را پذیرفته‌اند. در دوران کرونا نخست‌وزیر انگلیس از مردم این کشور خواست که مهمانی‌های خانوادگی نگیرند و یا در مهمانی شرکت نکنند. این در حالی است که خودش در منزلش مهمانی گرفت و این خبر در فضای مجازی منتشر شد. خبری که در نهایت باعث شد حزب متبوعش وی را کنار بگذارد و فرد دیگری را جایگزین وی کند. دلیل این موضوع نیز این است که اعتماد مردم از حزب از بین نرود و حزب همچنان بتواند در فضای سیاسی تأثیرگذار باشد. ما نباید فضای مجازی را گناهکار بدانیم. مردم دارای شعور و فهم هستند و کاری را انجام می‌دهند که خودشان تشخیص می‌دهند و تحت تأثیر کسی قرار ندارند. مردم هر سخنی را از مدیران قبول نمی‌کنند و با درک خود آن را تحلیل می‌کنند. در کشوری که مردم آن با تورم ۵۰ درصدی مواجه هستند قدرت خرید مردم روزبه روز کاهش پیدا می‌کند. واقعیت این است که در شرایط کنونی برخی از مدیرانی که به کار گرفته شده‌اند مفهوم توسعه اجتماعی را چندان درک نمی‌کنند و این مفهوم در بین بازی‌های سیاسی گم شده است. امروز سخنانی که از زبان برخی از نمایندگان مجلس گفته می‌شود برخلاف خواست مردم است. در یک سال گذشته نمایندگان قوانینی را تصویب کرده‌اند که در زندگی مردم تأثیر نداشته است. هنگامی که نمایندگان قوانینی تصویب می‌کنند که در زندگی مردم تأثیر ندارد مردم نسبت به آنها بی‌تفاوت می‌شوند. در شرایط کنونی مردم نیاز به امنیت فکری دارند.

> ایجاد شغل برای دولت‌ها کار راحتی نیست و دولت‌ها به سختی می‌توانند برای مردم شغل ایجاد کنند. این در حالی است که فضای مجازی باعث به وجود آمدن شغل‌های زیادی برای مردم شده بود که با فیلتر کردن آن این فرصت دچار آسیب شده است

چگونه می‌توان امنیت فکری مردم را افزایش داد؟

جامعه‌ای دارای آرامش است که همه‌چیز دارای حساب‌وکتاب باشد. هنگامی‌که در یک جامعه حساب‌وکتابی وجود نداشته باشد به‌صورت طبیعی مردم آن جامعه عصبی و ناراحت می‌شوند. در چنین شرایطی افراد جامعه اعتماد خود را نسبت به یکدیگر از دست می‌دهند. در هیچ کشوری وعده و شعار مشکل مردم را حل نکرده و بلکه رفاه بیشتر و رسیدگی به مشکلات مردم بوده که مردم را نسبت به آینده امیدوار نگه‌داشته است. در کشورهای جهان همه روسای جمهوری تلاش می‌کنند بیکاری را در جامعه کاهش بدهند. به همین دلیل نیز اگر در زمان یک رئیس‌جمهور بیکاری در جامعه افزایش پیدا کند مردم دیگر به آن برنامه اقتصادی رأی نمی‌دهند. از منظر جامعه‌شناختی در شرایط نامناسب اقتصادی فساد، فحشا و بزهکاری اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. هرچه بیشتر حل کردن مشکلات بنیادین را با تأخیر بیندازیم به همان اندازه شدت چالش‌ها را بالاتر می‌بریم. نکته مهم در این زمینه این است که افزایش مشکلات اقتصادی باعث می‌شود که میزان آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق و اعتیاد افزایش پیدا کند. اتفاقی که در کشور ما در حال رخ دادن است. آقای رئیسی عنوان می‌کند که باید دستمزد کارگران افزایش پیدا کند و یا جلوی گرانی‌ها گرفته شود. سؤال اینجاست که آیا کارفرمایان به این صحبت‌ها توجه می‌کنند؟ در نتیجه با گفتن و حرف زدن مشکلی حل نمی‌شود و بلکه این عمل دولت است که باعث می‌شود اوضاع اقتصادی بهتر شود. فقر با گران کردن کالاهای موردنیاز مردم ریشه‌کن نمی‌شود. فقر زمانی از بین می‌رود که مردم درآمدی متناسب به تورم موجود در جامعه داشته باشند. اگر در سال‌های گذشته فقر بیشتر شده به دلیل این است که در سال‌های گذشته حقوقی که به مردم داده‌شده بر اساس تورم موجود در جامعه نبوده است.

> نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که بخش‌هایی از جامعه در فضای مجازی کسب و کار اقتصادی داشتند و مسائل اقتصادی خود را از این طریق انجام می‌دادند. به همین دلیل فیلترینگ فضای مجازی روی کسب و کار و زندگی آنها تأثیر گذاشته است

گاردین:

اعدام اکبری استیصال انگلیس در برابر ایران را به رخ کشاند

یک روزنامه انگلیسی در مطلبی با اشاره به اعدام جاسوس انگلیس در تهران، موضع گیری دولت لندن در برابر این اقدام را سراسر ضعف دانست. به گزارش مهر، روزنامه انگلیسی گاردین در مطلبی به بهانه اعدام «علیرضا اکبری» جاسوس این کشور در ایران، هم موضع سراسر استیصال دولتمردان این کشور در برابر این اقدام را به نقد می‌کشد و هم به تاریخچه پر افت و خیز روابط دو کشور و نیز رویکرد خصمانه و پر ابهام انگلیسی‌ها در قبال ایران در طول سالیان گذشته می‌پردازد. سایمون تیسدال، تحلیلگر انگلیسی در ابتدای مطلب خود با عنوان «با اعدام علیرضا اکبری، انگلیس در برابر تهران مستاصل و ناتوان شده است»، روابط میان لندن و تهران را دارای پیشینه‌ای پردردسر، آمیخته با اختلاف و البته درست نشدنی می‌داند. اختلافاتی که ریشه آن به جنگ بر سر امپراتوری قرن هجدهم میان انگلیس، فرانسه ناپلئونی و روسیه تزاری برمی گردد جایی که این سه کشور برای اشغال و تسلط غیر قانونی بر ایران با هم در تخاصم بودند. نویسنده این مطلب یادآور می‌شود که ایرانی‌ها خاطرات فراوان اقدامات انگلیس را در ذهن خود دارند و تا به امروز نقش این کشور را در بسیاری از مشکلاتی که از آن دوران تجربه کردند، همچنان پر رنگ می‌دانند. نویسنده مطلب گاردین، تجاوز انگلیس به ایران در سال ۱۹۴۱ را با هدف محدود کردن کنترل نازی‌ها و حفاظت از میادین نفتی شرکت آن گلو-پرژین توجیه می‌کند. تسیدال صریحاً عنوان می‌کند که دولت انگلیس از روند مداخله جویی خود در امور داخلی ایران دست برنداشت و در سال ۱۹۵۳ بار دیگر در پی اهداف خود در طراحی یک کودتای علیه دولت وقت ایران (دولت دکتر مصدق) با آمریکا همدست شد. هدف این بار سرنگونی دولت منتخب دکتر مصدق و کمک به ابقای حکومت خودکامه و طرفدار غرب محمدرضا پهلوی بود. البته این هدف نیز با نقشه‌های شوم دولت انگلیس و همراهی وابستگان آنها در ایران محقق شد.

یادداشت

روسیه در خلیج فارس به دنبال چیست؟

محمدمهدی مظاهری
استاد دانشگاه

بعد از حمله روسیه به اوکراین در آغازین ماه‌های سال ۲۰۲۲، بسیاری از ناظران و تحلیلگران بین‌المللی گمان می‌کردند کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به دلیل نزدیکی به آمریکا و کشورهای غربی، بلافاصله این حمله را محکوم می‌کنند و در سمت جبهه غرب قرار می‌گیرند. اما تخمین‌ها درست از آب درنیامد؛ کشورهای ثروتمند شورای همکاری خلیج فارس (GCC) از جمله عربستان سعودی و امارات تا حد زیادی سکوت اختیار کردند و حتی امارات به‌همراه چین و هند در رأی گیری شورای امنیت، به قطعنامه آمریکا که خواستار خروج نیروهای روسیه از اوکراین شده بود، رأی ممتنع داد. چنین جهت گیری نشان داد انرژی، پول و امنیت، به فاکتورهایی مهم در روابط روسیه و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس تبدیل شده‌اند و روابط اقتصادی این کشورها با مسکو در حال رشد به روابط امنیتی- نظامی نیز هست. از سمت روسیه نیز، رویارویی با آمریکا و تشدید رقابت‌ها و اختلافات ژئوپلیتیک، نقش مهمی در افزایش توجه مسکو به خلیج‌فارس دارد. هدف روسیه کاهش حضور و نفوذ آمریکا در مناطق مختلف از جمله خلیج‌فارس و ایجاد ائتلاف‌های نظامی جدید با کشورهای این منطقه است. بر این اساس، منافع و اهداف کلیدی که سبب اشتیاق روسیه برای نقش‌آفرینی در منطقه خلیج فارس می‌شوند را می‌توان در سه جهت شناسایی کرد: منافع اقتصادی، امنیتی و نظامی. از منظر اقتصادی، منطقه خلیج فارس از اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیک ویژه‌ای برخوردار است که این منطقه را برای کشورهای بزرگ، به ویژه روسیه که به دنبال حفظ ثبات قیمت نفت است، واجد اهمیت می‌کند. این منطقه همچنین بازار مناسبی برای محصولات صنعتی و نظامی روسیه و جذب سرمایه‌گذاری دراین کشور محسوب می‌شود. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز به دلیل کاهش مشارکت و تعهدات ایالات متحده در منطقه، به ایجاد روابط با سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند روسیه و چین علاقه‌مند شده‌اند. بر این اساس، بخش انرژی یکی از حوزه‌های کلیدی است که منافع اعراب و روسیه در آن به هم نزدیک می‌شود. کرملین، به ویژه در شرایط کنونی که به دلیل طولانی شدن جنگ اوکراین تحت فشار و تحریم قرار دارد، شورای همکاری خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی را مهره‌ای کلیدی برای تنظیم بازار جهانی انرژی می‌داند. این کشور همچنین در بازارهای انرژی با سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس نیز تعامل دارد. با وجود رقابت ظاهری روسیه و شورای همکاری خلیج فارس در زمینه نفت و گاز، فضای کافی برای همکاری و هماهنگی بین آنها برای حفظ تعادل در بازارهای جهانی وجود دارد به نحوی که به کاهش قابل توجه قیمت‌ها منجر نشود. این گرایش تنها مربوط به دوران کنونی درگیری در جنگ نیست؛ در واقع، روسیه به دنبال همکاری بیشتر در حوزه نفت و گاز با شورای همکاری خلیج فارس برای رقابت با نفت شیل آمریکاست. در این زمینه، در سال ۲۰۱۹، روسیه و شورای همکاری خلیج فارس منشور همکاری در داخل اوپک پلاس را امضا کردند که درصدد شکل‌دهی به «یک مشارکت نفتی گسترده با هدف پیوند دادن استراتژی‌های تولید برای دستیابی به اهداف مشترک اقتصادی» بود. روسیه، شورای همکاری خلیج فارس را یکی از مهم‌ترین منابع سرمایه‌گذاری در اقتصاد خود می‌داند. این سرمایه‌گذاری‌ها در انواع شرکت‌های تجاری، کشاورزی و زیرساخت‌ها انجام می‌شوند. رویکرد روسیه نسبت به شورای همکاری خلیج فارس از یک عامل تعیین کننده اقتصادی به منظور تقویت موقعیت روسیه در اقتصاد جهانی از طریق بازار خلیج فارس نشأت می‌گیرد و گسترش روابط با شورای همکاری خلیج فارس یک رکن اساسی در سیاست خارجی روسیه است. در حوزه نظامی- امنیتی نیز روسیه از سال‌ها قبل به دلیل تشدید تحولات امنیتی و نظامی در منطقه غرب آسیا به ویژه از زمان حمله آمریکا به افغانستان و عراق، روابط خود را با کشورهای این منطقه را افزایش داد. در سال‌های اخیر نیز به ویژه از آنجا که آمریکا بخشی از توجه خود را به مهار چین معطوف ساخته، روسیه می‌کوشد خلاء قدرت نظامی برتر در غرب آسیا و خلیج فارس را پر کند. البته با توجه به تمایل جمهوری اسلامی ایران برای کاهش حضور نظامی آمریکا و قدرت‌های غربی در خلیج فارس، روسیه این فرصت را مغتنم شمرده و می‌کوشد از طریق همکاری با ایران، به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای، در خلیج فارس حضور داشته باشد؛ هرچند این کشور فرصت‌های خود را محدود به همکاری با ایران نکرده و در هر کجا لازم باشد، با رقبای منطقه‌ای ایران نیز وارد معامله و مذاکره می‌شود. در مجموع می‌توان گفت تمایل روسیه برای حضور و نقش‌آفرینی مؤثر در خلیج فارس در ابعاد و زمینه‌های مختلف، به منظور کاستن از تبعات جنگ در اوکراین و در چارچوب دیدگاه گسترده‌تر این کشور برای افزایش شبکه منافع و روابط خود در حوزه‌های ژئوپلیتیک اثرگذار، رقابت با آمریکا و کشورهای غربی و ایجاد یک توازن قدرت بین‌المللی قابل تفسیر است.

نکته

مهدی آیتی:

خاتمی هم می‌آمد، مشکلات حل نمی‌شد

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب اظهار داشت: واقعیت این است که مهم‌ترین مشکل کشور ما تحریم‌ها نیست بلکه مدیریت است. مسئولان قبل از اینکه مسئولیت بگیرند، بسیار مانور می‌دهند که اگر ما روی کار بیاییم وضع کشور خوب می‌شود، اما در عمل بهبودی دیده نمی‌شود. آیتی گفت: وقتی تورم، گرانی و بیکاری افزایش داشته است، مردم دچار مشکل می‌شوند. مدیریت کشور باید با عدد و رقم و بر اساس واقعیات باشد نه بر اساس رویکردهای سیاسی، گروهی و جناحی.» وی افزود: می‌گفتند دولت عوض شود، اوضاع درست می‌شود؛ پس چرا نشد؟ آنهایی که می‌گویند ضرورت این کشور اصلاح ساختارهاست آدرس غلط می‌دهند زیرا ۸۰درصد مشکلات به مشکلات برون‌مرزی ما برمی‌گردد. آیتی بیان کرد: می‌گویند باید زیرساخت‌ها درست شود اما توجه نمی‌کنند تا وقتی تحریم هستیم زیرساختی درست نمی‌شود. با عوض کردن افراد هم مشکلی حل نمی‌شود و حتی آقای خاتمی هم جای آقای رئیسی رئیس‌جمهور می‌شد نمی‌توانست مشکلات را حل کند.

نگره

دکمه خاموش اینترنت دست کیست؟

یک کارشناس در صداوسیما در توجیه وضعیت اینترنت در ایران از قدرت ریاست‌جمهوری آمریکا برای قطع سراسری اینترنت در جهان حرف زده و گفته ایران نباید اینترنتش را به اینترنتی که در ید قدرت رئیس‌جمهور آمریکاست گره بزند. اما مثال این کارشناس جالب توجه بوده است. او از طرحی در ایالات متحده آمریکا به نام «کیل اینترنت» یعنی کشتن اینترنت حرف زده و گفته «سه سرور از شش سرور اینترنت جهانی در ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است و رئیس‌جمهور آمریکا هر زمان احساس کند اینترنت علیه اوست ورود می‌کند.»

کیف‌های اسرارآمیز روسای جمهوری آمریکا

اشاره کارشناس برنامه افق به کیف‌های اسرارآمیز رئیس‌جمهور آمریکا که یکی از آنها قدرت قطع اینترنت را دارد احتمالا نتیجه خلط چند داستان متفاوت با یکدیگر است. کیف اول موسوم به «فوتبال هسته‌ای» که به دستور آغاز جنگ هسته‌ای مربوط می‌شود، یک ماجرای واقعی است. به اذعان رسانه‌های آمریکا، رئیس‌جمهور ایالات متحده هر کجا برود یک دستیار نظامی را همراه می‌برد که برایش یک کیف سیاه سنگین را حمل می‌کند. همه روسای جمهور آمریکا از زمان «هری ترومن» اجازه دارند از نیروی هسته‌ای علیه دشمن استفاده کنند و در این بین «فوتبال هسته‌ای» بخش مهمی از این قدرت روسای جمهور آمریکا در چند دهه گذشته بوده است. این کیف به‌طور رسمی به عنوان کیف اضطراری رئیس‌جمهور شناخته می‌شود، اما بیشتر به آن «فوتبال هسته‌ای» یا به اختصار «فوتبال» می‌گویند. این کیف از لحظه ادای سوگند ریاست‌جمهوری همراه رئیس‌جمهور است. کارشناسان دو دلیل را برای حمل این کیف در کنار رئیس‌جمهور آمریکا عنوان می‌کنند. نخست اینکه آن کیف نماد فیزیکی اجازه دستور استفاده از تسلیحات هسته‌ای توسط رئیس‌جمهور است و دومین دلیل هم این است که آمریکا می‌ترسد مورد یک حمله غافلگیرکننده هسته‌ای قرار بگیرد و از این رو باید مانع از چنین غافلگیری خواهد شد. استدلال آن‌ها این است که در صورتی که رئیس‌جمهور آمریکا قادر به انجام یک حمله تلافی‌جویانه فوری نباشد، اتحاد جماهیر شوروی ممکن است حمله غافلگیرانه‌ای را انجام دهد که می‌تواند توانایی‌های هسته‌ای حیاتی ایالات متحده را فلج کند. نیوزویک در سال ۱۹۹۱ گزارشی منتشر کرده و در آن ریشه «فوتبال هسته‌ای» را بازگو کرده است. به گزارش این رسانه، کیف هسته‌ای موسوم به فوتبال توسط «کاپیتان ادوارد ند بیچ جونیور» افسر زیردریایی که به عنوان دستیار دریایی آیزنهاور در دوران ریاست‌جمهوری او خدمت می‌کرده، اختراع شده است. پس از آن این کیف از ریاست‌جمهوری به ریاست‌جمهوری دیگر واگذار شده است. مشخص نیست که نام مستعار «فوتبال» دقیقا از کجا آمده است، اما یکی از اولین موارد استفاده عمومی از این اصطلاح در مقاله‌ای در نوامبر ۱۹۶۵ توسط «باب هورتون» گزارشگر آسوشیتدپرس در مورد مرگ کندی و انتقال فرماندهی هسته‌ای ریاست‌جمهوری بود. هورتون در این مقاله نوشته بود که در حالی که کندی پس از اصابت گلوله در بیمارستانی در دالاس تگزاس در حال مرگ بود، «ایرا گیرهارت» افسر ارتش ایالات متحده، «بیرون در لابی نشسته بود و از یک کیف چرمی قهوه‌ای که به آن فوتبال می‌گفتند، محافظت می‌کرد.» سال ۱۹۸۰ کتابی توسط «بیل وارن» رئیس پیشین اداره ارتش در کاخ سفید نوشته شد و در آن محتوای کیف «فوتبال» افشا شد. به گفته وارن چهار چیز در این کیف هسته‌ای جا داده شده است؛ یک کتاب سیاه حاوی گزینه‌های انتقام‌گیری، یک کتاب حاوی اطلاعاتی درباره برخی مکان‌های طبقه‌بندی شده و محرمانه، یک یک پوشه با هشت یا ده صفحه که به هم منگنه شده‌اند و شرحی از مراحل سیستم پخش اضطراری را ارائه می‌کند، و یک کارت سه در پنج اینچی با کدهای احراز هویت است.

دکمه خاموش کردن اینترنت دست کیست؟

بر اساس قانون ارتباطات سال ۱۹۳۴ آمریکا که در دولت فرانکلین روزولت به تصویب رسیده، روسای جمهور آمریکا قدرت کنترل رسانه‌ها در شرایط خاص را دارند. این قانون در واقع مبنای قدرت قانونگذاری قوه مجریه آمریکا در حوزه کنترل ارتباطات الکترونیکی در ایالات متحده آمریکاست. به دلیل انتقاداتی که به این قانون شده، سال ۱۹۹۶ فرمان اجرایی تصمیم ریاست‌جمهوری شماره ۶۳ به امضا رسید و طبق آن کاخ سفید باید هر گونه تصمیماتش در خصوص ارتباطات الکترونیکی را با هماهنگی سایر وزارتخانه‌ها و نهادها و با همکاری بخش خصوصی اعمال می‌کرد. آنچه تحت عنوان دکمه «کشتن اینترنت» در رسانه‌ها عنوان شده، اما طرحی است که سناتور «جو لیبرمن» سال ۲۰۱۰ تحت عنوان قانون صیانت از فضای مجازی به عنوان یک دارایی ملی را به مجلس ارائه کرد. در همان زمان رسانه‌های آمریکا طرح صیانت از فضای مجازی این سناتور دموکرات را به دکمه کشتن اینترنت تعبیر کردند که در صورت تصویب می‌توانست به رئیس‌جمهور آمریکا توان اعمال قدرت بر اینترنت را در شرایط اضطراری بدهد.